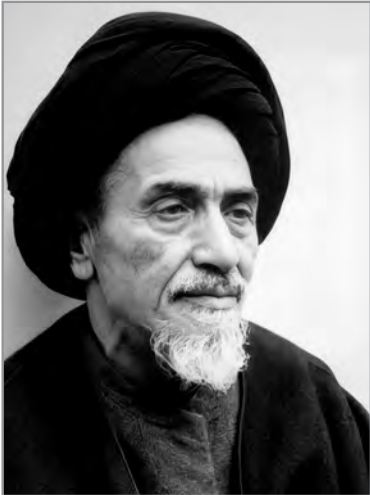


چشم‌انداز همکاری و روابط  
امام خمینی (ره) و  
آیت الله العظمی میلانی  
در افق مکاتبات

## نامه‌های اتحاد



ارتباط میان امام خمینی (ره) و آیت الله العظمی میلانی سابقه داشت، اما در جریان ماجرای تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به اوج خود رسید؛ امام پیشگام افشاگری علیه رژیم پهلوی شد و آیت الله العظمی میلانی هم، تمام قد از این افشاگری و مبارزه حمایت کرد. پس از آن در جریان وقایع سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ خورشیدی نیز، شاهد این همکاری و هماهنگی‌ها به صورتی گسترده هستیم که تا دوران تبعید امام خمینی (ره) به نجف ادامه پیدا کرد. یکی از بهترین روش‌های بررسی این روابط و نوع آنها، مرور مکتوباتی است که در قالب نامه و تلگراف میان آن دو فقید سعید رد و بدل شده است.

### حضور در جبهه واحد

روایت این مکاتبات، از سال ۱۳۴۱ خورشیدی آغاز می‌شود؛ زمانی که امام در نامه‌ای به آیت الله العظمی میلانی از فشارهای رژیم بر روحانیت ابراز نگرانی می‌کند و ضمن آن می‌نویسد: «در این موقع که اختناق در اطراف مملکت فوق العاده شده است، اینجانب سکوت را جایز نمی‌دانم». این نامه، مقدمه‌ای برای هماهنگی‌های بعدی شد. آیت الله العظمی میلانی به قضایا همان گونه می‌نگریست که امام خمینی (ره) نگاه می‌کرد. بعد از ماجرای خونین فیضیه در نخستین روزهای سال ۱۳۴۲ خورشیدی و گذشتن از آن برهه تاریخی تلخ، در اردیبهشت ماه همان سال و طی نامه نسبتاً طولانی به بیان دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود پرداخت و خطاب به امام خمینی (ره) نوشت: «ما از حمله و یورش چنگیزانه بساحت حوزه مقدسه علمیه قم گذشتیم، از حبس و هجر رجال دینی و ملی گذشتیم، از حمله بدانشگاه و مراکز علمی ملت و سلب هر نوع آزادی فردی و اجتماعی چشم پوشیدیم، از دزدی و فساد و تباهی و تجاوز بمردمان صالح و تقویت دزدان و خیانتکاران گذشتیم، از برادرکشی‌هایی که در نقاط مملکت ترتیب داده‌اند صرف نظر کردیم، این ننگ را بکجا ببریم که مملکت اسلامی ما را دارند پایگاه اسرائیل و صهیونیست می‌کنند و نیز افرادی را که با آن‌ها همدستند در رأس کارها قرار می‌دهند، همانطور که بر خاطر مبارکتان پوشیده نیست وقتی فساد هیأت حاکمه موجب شد که از حمایت افراد ملت محروم بماند برای حفظ و نگهداری خود بهر جنایتی دست می‌زند و از هیچ خیانتی بمملکت در راه حفظ خود

چشم نخواهد پوشید، و این وظیفه حقیر و جناب‌عالی و دیگر زعمای دینی است که بحول الله تعالی و قوته مقاومت کرده از ناموس اسلام و از حریم مملکت اسلامی دفاع نمائیم». آیت الله العظمی میلانی در آن بحبوحه خود را با امام خمینی (ره) در یک جبهه واحد می‌دید، جبهه دفاع از کیان اسلام و مسلمین.

### همکاری در جریان قیام ۱۵ خرداد

با اوج‌گیری نهضت در خردادماه سال ۱۳۴۲ خورشیدی، هماهنگی عمیق‌تر شد و به ویژه بعد از سرکوب قیام ۱۵ خرداد، آیت الله العظمی میلانی با جدیت تمام به عرصه دفاع از ساحت و موقعیت امام خمینی (ره) وارد گردید. امام در نامه‌ای کوتاه خطاب به آیت الله العظمی میلانی که پس از واقعه ۱۵ خرداد فرستاده شد، از حضور مؤثر و تلاش‌های آن مرجع تقلید سپاسگزاری کرد و نوشت: «از اظهار همدردی در این فاجعه عظیمه که از طرف دستگاه جبار بر اسلام و رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - وارد شده متشکرم. خاطرات زمان جنگیز تجدید شد. وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ». آیت الله العظمی میلانی که در جریان قیام تصمیم داشت به تهران برود، اما او را از میانه راه بازگردانند، مدتی بعد از قیام به تهران رفت و چندی در پایتخت ماند تا بتواند نقش مؤثرتری ایفا کند؛ اما رژیم اجازه نداد و آن مرحوم در نامه‌ای خطاب به امام خمینی (ره) نوشت: «اجمالش آنکه شب آمدند و گفتند باید فردا صبحاً حرکت کنید و یک روز هم مهلت ندادند. ناچار حرکت کردم و غریبانه در فرودگاه مشهد تاکسی گرفتم، با نزدیک شدن به تبعید امام در آبان ۱۳۴۳ خورشیدی، آیت الله العظمی میلانی از این وضعیت ابراز نگرانی کرد و برای امام خمینی (ره) نوشت: «مطلب تازه‌ای است که این صح‌الخبر موجب افسردگی فوق‌الحد برای حقیر است. کسی که از سراسر گاهی خبردار می‌شود دیروز اطلاع داده که دستگاه در فکر تبعید نمودن حضرت‌عالی است به خارج کشور. و بعضی خبرهای دیگر هم داد که لزوم ندارد بنویسم».

### تداوم روابط در دوران تبعید

امام خمینی (ره) در دوران تبعید نیز، همواره نگرانی‌های خود را با آیت الله العظمی میلانی در میان می‌گذاشت و متقابلاً، اونیز برای کمک به جریان نهضت، در قضایای گوناگون به صورت مادی و معنوی ورود پیدا می‌کرد.

یک بار و زمانی که تمامیت ارضی کشور مورد تعرض قرار گرفته و اجانب برای تجزیه ایران و تغییر نام‌های مناطق نقشه کشیده بودند، خطاب به آیت الله العظمی میلانی نوشت: «اخبار گوناگون داخل و خارج موجب نگرانی شدید این جانب است و خوف آن است که دست‌های خبیث ناپاکی بخواهند به تمامیت ارضی مملکت خدای نخواستار لطمه‌ای وارد کنند. اولیای امور یا غافل هستند یا معذور؛ در عین حال که وضع خارجی خصوصاً مطالبی که در موضوع خوزستان و کردستان گفته می‌شود و اخیراً در جراید راجع به خوزستان نوشته می‌شود، دولت باید آرامش داخلی را به هر نحو است حفظ کند، دیده می‌شود که کارهای تحریک آمیزی در داخل انجام می‌گیرد. شیراز را به گرفتن آقای دستغیب و جهرم و حوالی آن را به گرفتن آقای آقا سید حسین و تبریز را به گرفتن آقای قاضی و قم و تهران را به گرفتن جمعی از اهالی منبر و خراسان را به گرفتن آقای طبسی و کارهای دیگر و اصفهان را به نحو دیگر و سایر بلاد را هر یک به نحوی ناراحت و عصبانی می‌کنند... مستدعی در مظان استجاب دعوات در مواقع تشریف به آستان قدس حقیر را منظور نظر مبارک فرمایید.»

### بیانیه‌های مشترک

در همین دوران، نام امام خمینی (ره) در کنار آیت الله العظمی میلانی در بیانیه‌های مشترک با دیگر علما نیز، به چشم می‌خورد: «علمای اسلام وظیفه دارند از احکام مسلمة اسلام دفاع کنند، از استقلال ممالک اسلامی پشتیبانی نمایند، از ستمکاری‌ها و ظلم‌ها اظهار تنفر کنند، از پیمان با دشمنان اسلام و استقلال و ممالک اسلام اظهار انزجار کنند، از اسرائیل و عمال اسرائیل. دشمنان قرآن مجید و اسلام و کشور - برائت جویند... صلاح حال ملت و مملکت را در هر حال بیان کنند. اینها جرم است؟ این‌ها ارتجاع سیاه است؟ در این مملکت تمام فرق ضاله آشکارا تبلیغ ضد اسلامی می‌کنند، محافل آزاد دارند، مجالس علنی دارند. مسیحیین، فرستنده در کلیسای انجیلی در تهران دارند، مؤسسه در کرمانشاه دارند؛ مدارس رسمی دارند، بر خوردار از پشتیبانی دولت‌ها هستند، نشر کتب ضد دینی آزاد است؛ فقط مسلمان‌ها و مبلغین مذهبی و علمای اسلام آزاد نیستند. تبلیغات دینی و بیان قانون شکنی‌ها «ارتجاع سیاه» شناخته شده و ممنوع گردیده [است].»